

بسم الله الرحمن الرحيم

1395/7/11

تاریخ

معنی و ترجمه متن

عربی پایه دهم...

عنوان

متن و ترجمه عربی دهم تجربی و ریاضی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (درس اول)

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ اَوْ هَمَانِ خَدَّاسْت.

أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن .

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه ای رشد کرد و چگونه درختی شد ؟

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می آورد (پدید می آورد)؟

وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

نور و روشنی در آن است و به وسیله آن ، گرما و حرارت پراکنده است.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند آخگر و پاره آتش پدید آورده است؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

او همان خداوندی است که نعمتهایش ریزان و روان است.

ذو حِکْمَةٍ بِالْغَهِ وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرَةٍ

دارای حکمت و تدبیری کامل و نیروی توانمند است.

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد؟

و زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟

و أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد؟

الدَّرْسُ الثَّانِي (درس دوم)

أَلَمْوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). **پندها و نصایح شمارشی**
(عددی) از پیامبر خدا (ص)

الْظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ
اللَّهُ فَالشِّرْكُ. قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

ظلم سه (نوع) است: ظلمی که خدا آنرا نمی بخشد، و ظلمی که آنرا می بخشد و
ظلمی که آن را ترک نمی کند. و اما ظلمی که خداوند آنرا نمی بخشد، شرک است
. خداوند فرمود: ﴿قطعاً شرک ظلم بزرگی است﴾

وَأَمَّا الظُّلُمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلُمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ، وَأَمَّا الظُّلُمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظُلُمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.

و اما ظلمی که خداوند آنرا می بخشاید ، ظلم بندگان بر خودشان نسبت به آنچه میان آنها و خدایشان است ، و اما ظلمی که خداوند آنرا ترک نمی کند ، ظلم بندگان به یکدیگر است.

سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ :مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجَرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مَصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

هفت (چیز) بعد از آنکه انسان در قبرش باشد ثوابش برای او جاری می گردد : کسی که دانشی را (به دیگران) یاد داده است (آموخته است) . آب نهری را جاری ساخته است . چاهی را کنده است یا نخلی را کاشته است یا مسجدی را ساخته است یا مصحفی (قرآن مکتوب) را به ارث گذاشته است یا فرزندی را به جای گذاشته است که بعد از مرگش برایش طلب آمرزش می کند .

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَا حَمُّ الْخَلْقِ.

خداوند برای رحمت صد جزء قرار داد و 99 جزء را نزد خود نگهداشت و یک جزء به زمین فروفرستاد و از آن یک جزء بشر به همدیگر رحم می کنند .

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْاَرْبَعَةَ، كُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

براستی یک غذا برای دونفر کافی می باشد و دو غذا برای سه و چهار نفر کافی می باشد ، همگی بخورید و پراکنده نشوید ، و مسلما برکت همراه با جماعت است .

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

دو بهتر از یک است و سه بهتر از دو است و چهار بهتر از سه است ؛ و شما با جماعت باشید .

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هر کس چهل صبح برای خدا إخلاص ورزد ، سرچشمه های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری گردد .

أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجَعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ.

چهار (چیز) اندکش زیاد است : تنگدستی و درد و دشمنی (کینه ورزی) و آتش (جهنم)

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. عِبَادَتُ دَه جُزْءٍ اسْتِ كِهْ نُهْ (9) جُزْءٍ دَرِ طَلَبِ (رُوزِي) حَلَالِ اسْتِ .

إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا. هِرْكَاهْ دُو (نُفَر) بَا هِم رَا زِ مِي گُوِيَنْد (دِرِ گُوشِي نَجْوَا مِي كَنْد) ، مِيَانِ آن دُو وَارِدِ نَشُو .

الدَّرْسُ الثَّالِثُ (درس سوم)

مَطَرُ السَّمَكَ (باران ماهی)

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آيا باور می کنی که روزی از روزها ماهی ها را ببینی که از آسمان می افتند؟

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالتَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ مسلماً بارش باران و برف از آسمان یک چیز طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمَنْ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!

و اما آيا امکان دارد که باران ماهی را ببینیم؟ آيا گمان می کنی که آن باران حقیقی باشد. و فیلمی خیالی نیست.

حَسَنًا فَإَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ. خوب پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ (مَطَرَ السَّمَكِ)

به دقت نگاه کن. توافقتان ماهی ها را از آسمان می بینی ، مثل اینکه آسمان ماهی ها می بارد. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می نامند .

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا .يَحْدُثُ (مَطَرُ السَّمَكِ) سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.

این پدیده مردم را سالهای طولانی شگفت زده کرده و برای آن جوابی نیافتند باران ماهی سالانه در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی اتفاق می افتد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيُلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ.

این پدیده گاهی دوبار در سال اتفاق می افتد. و مردم به مدت دوساعت یا بیشتر تکه ابر سیاه بزرگی ورعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را ملاحظه می کنند.

ثُمَّ تَصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلُهَا، حَاوِلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛

سپس زمین با ماهیها پوشیده می شود، و مردم آنها را برای پختن و خوردنش می برند. دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده ی عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِّزِيَارَةِ الْمَكَانِ وَالتَّعَرُّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ،

و گروهی را برای دیدن محل و شناختن ماهی هایی که بعد از این بارانهای شدید بر زمین می افتند فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ

و آنها دریافتند که همه ماهی ها ی پراکنده شده در زمین به یک نوع و اندازه هستند و اما شگفتی کار آن است که ماهی ها متعلق به آبهای مجاور نیستند.

بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِتْرٍ عَنْ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ .

بلکه متعلق به آبهای اقیانوس اطلس هستند که به فاصله ی دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی ها دور هستند.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟ علت شکل گیری این پدیده چیست؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ
عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

گردباد شدیدی اتفاق می افتد ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد و آنها را به
محلّی دور می کشانند و وقتی سرعتش را از دست می دهد ماهیها بر روی زمین می
افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهِ إِذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّوْنَهُ (مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكَ
(فَانْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ).

(الْبَقَرَةُ 22)

مردم هندوراس سالانه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ی باران ماهی
می نامند» و (خداوند) از آسمان آبی را فرو فرستاد و به وسیله ی آن از میوه ها رزق
و روزی را برای شما خارج کرد.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

قطعا پیام اسلام در گذر زمانها براساس منطق و دوری از هر بدی استوار بوده است.

و براستی خداوند می فرماید.

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ

كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ : 34

خوبی و بدی یکسان نمی باشد تو آن را با بهترین روش دفع کن پس آنگاه (می بینی) کسی که بین تو و او دشمنی هست گویی یک دوست گرم و صمیمی است .

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ

همانا قرآن به مسلمانان امر می کند که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ... ﴿الأنعام 108﴾

وآن (قرآن) می فرماید: کسانی را که به غیر می خوانند (دعوت می کنند) دشنام ندهید در نتیجه آنها (کافران به نادانی) خدا را دشنام می دهند.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلْهِيَّةَ: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آل عمران 64

اسلام ادیان الهی را محترم می شمارد، (ای پیامبر) بگوای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیائید از کلمه ای که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم فقط خدا را عبادت کنیم و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ البقرة 256

قرآن بر آزادی عقیده تاکید می کند. هیچ اجباری در دین نیست.

لَا يَجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَامِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الروم 32

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی را جایز نمی داند، به خاطر اینکه کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم واجب است که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی

مسالمت آمیز کنند. به خاطر اینکه هر حزب و گروهی به آنچه نزد خود دارند خوشحالند.

أَلْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های متعدد هستند. در زبانهای خود و رنگ‌هایشان متفاوت می باشند .

قالَ اللهُ تَعَالَى : خداوند بزرگ می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَات 13

ای مردم ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیل‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما ست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وپیامبر خدا (ص) فرموده است

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ

و لَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى)

ای مردم بدانید که خدای شما یکی است و پدرتان یکی است قطعا نه هیچ عربی بر غیر عرب برتری دارد و نه هیچ غیر عربی بر عرب نه هیچ سیاهی بر سرخ و نه هیچ سرخی بر سیاه مگر با تقوی و پرهیز گاری.

يَا مُرْنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...) آل عمران 103

قران ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند . وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه گر می شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج .

الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهنای گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ... : إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يَفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد. پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای گسترش اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

وَقَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيَّ: وَرَهْبَرِمان آيت الله خامنه ای فرمودند:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفَرُّقِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند پس وی مزدور دشمن است.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ (درس پنجم)

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ لقمان 11 * (این خلقت خداوند است) *

الْغَوَّاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ لِيَلْأَ شَاهِدُوا مِائَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ ذَاتِ
الْوَانِ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ،

غواص هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند ، صدها چراغ برقی با رنگ های
مختلف (رنگارنگ) را مشاهده کردند که نورشان از ماهی های نورانی فرستاده می
شود .

وَ تَحَوَّلُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَّاصُونَ التَّقَاطُ صُورِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ
الْأَسْمَاكِ .

و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می کند که غواص ها در آن می توانند در نور
این ماهی ها عکس بگیرند.

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ
عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ .

دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می شود که
زیر چشمان آن ماهی ها زندگی می کند .

هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا
الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمَدُنِ؟

آیا امکان دارد که بشر روزی از این معجزه ی دریایی استفاده کند. و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد.

رَبِّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكُ، لِأَنَّهُ (مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ)

چه بسا بتواند، زیرا " هر کس چیزی را خواست (بخواهد) و تلاش کرد، یافت .
(زیرا " هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می یابد .)

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.

قطعا زبان گربه سلاح دائمی است : زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می لیسد تا زخمش بهبود یابد .

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بَغْرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِئَةَ وَتَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَقَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئَةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَغَيْرِهَا.

قطعا بعضی از پرنده ها و حیوانات بنا به طبیعتشان گیاهان دارویی را می شناسند . و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری های مختلف بکار گیرند ؛ و این حیوانات انسان را به خواص درمانی بسیاری از گیاهان صحرائی و مانند آن راهنمایی کرده اند .

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،

قطعا اغلب حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود ؛ زبان عمومی دیگری دارند که به واسطه آن می توانند با همدیگر به تفاهم برسند،

فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُهُ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطَقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزَلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.

پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به سایر حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند . پس آن مانند جاسوسی از جاسوس های جنگل است .

لِلْبَطِّ خِزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أُذُنَائِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

اردک نزدیک دم هایش انبارهای طبیعی دارد که روغن خاصی را در بر دارد که بر بدنهایشان (اجسامشان) پخش می شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی گیرد .

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تَحْرُكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي أَتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب پرست می تواند چشمانش را به جهت های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را حرکت دهد و آن می تواند همزمان دوطرف را ببیند.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی کند ، و آن ثابت است ، اما او این نقص را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می کند و می تواند که سرش را کاملاً بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد .

الدَّرْسُ السَّادِسُ (درس ششم)

ذوالقرنین (ذوالقرنین)

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعِظَمَةَ؛

در زمان قدیم پادشاه عادل و یکتاپرستی بود که ذوالقرنین نامیده می شد و خداوند به او قدرت و شکوه عطا کرده بود،

كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا.

ذوالقرنین بر مناطق وسیعی از زمین، شرق و غرب و شمال حکومت می کرد.

ذُكِرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ. نام و کارهای شایسته اش در تعدادی از آیات قرآن بیان شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوَاضِعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ.

وقتی شرایط برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با سپاهیان و لشکرهاش به سمت مناطق غربی زمین حرکت کرد در حالی که مردم را به سوی یکتاپرستی و مبارزه با ظلم و فساد فرامی خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقَ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِائِهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيمَةٍ.

مردم در مسیر حرکتش به علت عدالتش به او خوشامد می گفتند و از او می خواستند که حکمرانی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن مرداب هایی بود که آب هایش دارای بویی ناپسند بودند (آبهایش بوی بدی داشت)

وَ وَجَدَ قُرْبَهُ ۚ ذَٰلِكَ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ .

و نزدیک این باتلاق هامردمی را یافت (دید) که برخی از آنان تبیهکار و فاسد و برخی درستکار بودند.

فَخَاطَبَهُ اللَّهُ ۖ فِي شَأْنِهِمْ وَخَيْرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَهِدَايَتِهِمْ.

پس خداوند در مورد آنها او را مورد خطاب قرار داد و به او در جنگ با مشرکان فاسد از آنها یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَاخْتَارَ ذَوَا الْقُرَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعَوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ .

ذو القرنین هدایت و دعوت آنها را به یکتاپرستی و ایمان به خداوند برگزید.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ .

پس با عدالت بر آنها حکومت کرد و فاسدین آنها را اصلاح کرد و کارهایشان را اداره کرد.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ . فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ ،

سپس با سپاهیاناش به سمت شرق حرکت کرد. و بسیاری از امت ها از او اطاعت کردند و بخاطر عدالت و شکوهش از او استقبال کردند

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بِدَائِيَّةً ، فَدَعَاهُمْ لِلإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ .

تا اینکه به قومی غیرمتمدن رسید که کاملاً بدوی و ابتدایی زندگی می کردند، پس آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکمرانی کرد تا اینکه آنها را به راه راست هدایت کرد و زندگی آنها را اصلاح کرد و به آنها یاد داد که چگونه زندگی کنند.

وَبَعْدَ ذَٰلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّامِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ،

وبعد از آن به سمت شمال حرکت کرد، تا اینکه به قومی رسید که نزدیک تنگه ای بین دو کوه بلند زندگی می کردند،

فَرَأَى هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةً جَاشِيَةً وَأَعْمَالَهُ الصَّالِحَةِ فَاعْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛
و این قوم عظمت سپاه وی و کارهای شایسته اش را دیدند و از (لحظه) رسیدن وی فرصت را غنیمت شمردند،

لَأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛
زیرا از دو قبیله ی وحشی که پشت آن کوهها زندگی می کردند در رنج و عذاب شدیدی بودند.

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْاَحِينِ وَالْآخِرِ مِنْ هَٰذَا الْمَضِيقِ؛

سپس به او گفتند: مردان این دو قبیله فاسد هستند هرازگاهی از این تنگه به ما حمله می کنند،

فَيُخَرَّبُونَ بُيُوتَنَا وَيَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَهَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.

وخانه های ما را خراب می کنند واموال ما را غارت می کنند، واین دوقبيله همان «يأجوج ومأجوج» هستند.

لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ : نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذِهِ الْمَضِيقِ بِسَدِّ عَظِيمٍ،
به همین دليل از او کمک خواستند وبه او گفتند: از تومی خواهيم که اين تنگه را با سد
بزرگی ببندی،

حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذِهِ؛
تا دشمن نتواند از آنجا به ما حمله کند وما در اين کارت به تو کمک می کنیم،
بَعْدَ ذَلِكَ جَاءُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَا الْقَرْنَيْنِ وَقَالَ : عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ
عَطَاءِ غَيْرِهِ،

بعد از آن با هدایای زیادی نزد او آمدند، وذوالقرنین آنها را نپذیرفت وگفت: بخشش
خداوند بهتر از بخشش غير اوست،

وَ أَطْلَبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذِهِ السَّدِّ . فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا .
وازشمایی خواهم که در ساختن اين سد به من کمک کنید. مردم بخاطر آن خیلی
خوشحال شدند.

أَمَرَهُمْ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَالنُّحَاسِ،

ذوالقرنین به آنها دستور داد که آهن ومس بیاورند،

فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ،

سپس آن (مس) را در آن تنگه قرارداد و آتش را روشن کردند تا اینکه مس ذوب شد
ودرمیان آهن وارد شد،

فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا،
وَتَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتَي يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ.

و سدّ محکمی مقابل این دو قبیلہ شد، پس مردم از فرمانروای درستکار بخاطر این
کارش تشکر کردند، و از دو قبیلہ یأجوج و مأجوج رهایی یافتند.

و شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فَتُوحَاتِهِ.

و ذوا القرنین از پروردگارشان بخاطر موفقیت اودر پیروزی هایش سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمُ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ
النَّاسِ.

از این داستان می فهمیم که حاکمان شایسته ی عادل ، نزد خدا و مردم محبوب
هستند.

الدَّرْسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ ای آنکه شگفتی هایش در دریاهاست.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ ازدعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ فُلْمًا رَائِعًا عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى
الشَّاطِئِ.

اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفین می بیند که انسانی را از غرق شدن نجات داده
و او را به ساحل رسانده است.

حامدُ : لا أَصَدِّقُ؛ هذا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا. حامد: باور نمی کنم، این کار شگفت انگیزی است. خیلی مرا متحیر می کند.

الْأَبُ : يا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لَأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

پدر: ای فرزندم (پسر) عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صَادِقُ : تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ ! يا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِّيقِ. صادق: باورش سخت است؟! ای پدرم، ما را با این دوست آشناگردان.

الْأَبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،

پدر: او حافظه ای قوی دارد، و شنواییش ده برابر برتر از شنوایی انسان می باشد.

وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا.

و وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می رسد، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد.

نورا : إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نورا: آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الْأَبُ : نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينَ أَنْ تَرُشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

پدر: بله، قطعاً، دلفین ها می توانند که ما را به محل سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند.

الْأُمُ : تُؤَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلَامِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ،

مادر: دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند، و آنچه را از شگفتی ها و اسرار زیر آب هست کشف می کنند. (شگفتی ها و اسرار زیر آب را کشف می کنند).

وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاقِ. و به انسان در کشف محل های تجمُّع ماهیها کمک می کنند.

صَادِقٌ : رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

صادق: دلفین ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می دادند؛ آیا باهم صحبت می کنند؟

الْأُمُ : نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر: بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می کنند که آنها می توانند با بکارگیری صداهای مشخص صحبت کنند،

وَ أَنَّهَا تُغَنِّي كَالطَّيُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

و اینکه مانند پرندگان آواز می خوانند، و همچون بچه ها گریه می کنند، و مثل انسان سوت می زنند و می خندند.

نُورًا : هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟ نُورًا: آيا دلفين ها دشمنانی دارند؟

الْأَبُ : بِالتَّأَكُّدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ،

پدر: قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند، وهنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،

تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ وَتَقْتُلُهَا.

به سرعت اطرافش جمع می شوند، وبابینی های تیزشان آنها را می زنند و آنها را می کشند.

نورا : وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟ نورا: و آیا در حقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

الْأَبُ : نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ،

پدر: بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم... جریان آب مردی را به شدت به اعماق (دریا) کشید،

وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَمَرَدَ بَعْدَ از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد، سپس مرا به ساحل کشاند

وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

وهنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم، کسی را نیافتم، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم در آب با خوشحالی می پرید.

الْأُمُّ : إِنَّ الْبَحَرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: براستی دریا و ماهیها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند.

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): رسول خدا (ص) فرمود:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ: نگاه کردن بر سه چیز عبادت است:

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، نگاه کردن به قرآن

و النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، و نگاه کردن به چهره پدر و مادر

و النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ، و نگاه کردن به دریا.

الدَّرْسُ الثَّامِنُ (درس هشتم)

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ صنعت تلمیع در ادبیات فارسی

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَغَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَّةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ
وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا مَمْزُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛

قطعا زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن
استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی و فارسی سروده اند و آن
را مُلَمَّع نامیده اند؛

لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشَّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشَّيرَازِيِّ وَ
جَلَالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

بسیاری از شاعران ایرانی مُلَمَّعاتی دارند از جمله: حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و
جلال الدین رومی معروف به مولوی.

مَلَمَّعُ حَافِظِ الشَّيرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ (مَلَمَّعُ لِسَانِ الْغَيْبِ حَافِظِ شِيرَازِي)

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَه

إِنِّي رَأَيْتُ

نامه ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم " که من روزگار را در دوری تو مانند
قیامت دیدم "

دارم من از فراقش در دیده صد علامت
عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَه؟

لَيْسَتْ دُمُوعُ

من ازدوری او صدها نشانه در چشم دارم ، " آیا اشک های این دوچشم من ، نشانه و
علامت برایمان نیست ؟ "

هر چند کازمودم از وی نبود سودم
حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَه

مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ

هرچه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید " هرکس آزموده را
بیازماید ، پشیمانی نصیبش می شود "

پرسیدم از طبیبی احوالِ دوست گفتا
فِي قُرْبِهَا السَّلَامَه

فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ

از طبیبی درباره احوال محبوبم سوال کردم ، گفت : " در دوری و هجرانش رنج
وعذاب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است "

گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
رَأَيْنَا حُبًّا بِلَا مَلَامَه

وَاللَّهِ مَا

گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم "به خدا سوگند که
ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیدیم"

حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
كَأْسًا مِنَ الْكَرَامَةِ
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ

حافظ درازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا از آن (دادن جان) ،
جامی از کرامت عشق بچشد "

مُلَمَّعٌ سَعْدِيَّ الشِّيرَازِيَّ (مُلَمَّعٌ سَعْدِي شيرازی)

سَلِّ لِمَصَانِعَ رَكْبًا تَهَيِّمُ فِي الْفُلُوتِ
آب چه دانی که در کنار فُرّاتی
تو قدر

از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان ها تشنه اند پیرس . تو قدر و ارزش آب را
چه می دانی ، وقتی در کنار فرات هستی

شَبِّمُ بِه رُوی تو رُوزست و دیده ام به تو روشن
سَوَاءٌ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي
وَ إِن هَجَرْتَ

شَبِّمُ با دیدن رُوی تو مثل روزاست و چشمم با دیدن رُوی تو روشن می شود. " و اگر
مرا ترک کنی ، شب و روزم مساوی است "

اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
الزَّمانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
مَضَى

گرچه مدّت زیادی انتظار کشیدم ، اما امیدم را از دست ندادم ، " زمان گذشت و دلم
می گوید که تو می آیی "

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
حقیقت عَجین آب حیاتی

من انسانی به زیبایی تو نه دیده ام و نه شنیده ام ، اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل
است ، حقیقتا آغشته به آب زندگانی است .

شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
تُفَتِّشُ عَيْنُ الْحَيَاءِ فِي الظُّلُمَاتِ

شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود، " و گاهی چشمه حیات
در تاریکی ها جستجو می شود "

فَكَمْ تَمَرَّرُ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ
تلخ بدیع است از آن دهان نباتی

چقدر زندگیم را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شهد و شیرینی داری ! از دهان
شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست !

نَهْ پَنج رُوزَهٗ عَمْرَسْتَ عَشْقَ رُویِ تُو مَا رَا
رَائِحَةُ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي

عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیا نیست ، " اگر خاک قبرم را
ببویی ، بوی عشق را می یابی "

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
گویم که ماورای صفاتی

محامد تو چه

هرزيبا روى با نمكى را وصف كردم همانطور كه دوست دارى و مى پسندى " ستايش
هاى تو را چگونه بيان كنم كه فراتر از وصف كردن هستى "

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو
بلايى و هم كليل نجاتى
كه هم كمند

از تو مى ترسم و به تواميد دارم و از تو كمك مى خواهم و به تو نزديكى مى جويم " كه
هم دامگه بلا هستى و هم كليل نجات و رهايى هستى "

ز چشم دوست فتادم به كاهه دل دشمن
هَجَرُونِى كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِى
أَحِبَّتِى

به دلخواه و خواست دشمن ، از چشم دوست افتادم و بى ارزش شدم ، " دوستانم مرا
ترك كردند همان طور كه دشمنانم مى خواهند "

فراقنامه سعدى عجب كه در تو نگیرد
شَكُوتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ
وَ إِنْ

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی کند! " و اگر به نزد پندگان شکایت ببرم
، در لانه ها می گریند و ناله سر می دهند "

www.sakoye10hom.blog.ir

www.sakoye10hom.blog.ir

10class.ir

www.sakoye10hom.blog.ir